

## همسانی شگفت دو مقاله

مهدی فیروزیان

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

در مجله بهار/دب مقاله «فراوانی و تنوع اوزان عروضی در غزل‌های حسین منزوی از ویژگی‌های ادبی سبک او» (۱۳۹۵) به قلم موسی پرنیان و رقیه کاظم‌زاده چاپ شده که همسانی شگفتی دارد با مقاله «بررسی عروضی غزل‌های منزوی» (۱۳۹۲) از نگارنده که صورت کاملتر آن در کتاب *از ترانه و تندر* (۱۳۹۰) منتشر شده است. هرچند کاظم‌زاده در پایان‌نامه خود (۱۳۸۸) به شعر منزوی پرداخته است، آنچه ما بدان اشاره میکنیم مطالبی است که تنها در مقاله نگارنده (فیروزیان) آمده است و در پایان‌نامه او دیده نمیشود. وگرنه شباهت و اشتراک در پژوهش‌های مختلفی که در یک موضوع به انجام میرسند محتمل و طبیعی است.

همان‌گونه که از نام مقاله برمی‌آید کار آن نشان دادن «فراوانی و تنوع اوزان در غزل‌های حسین منزوی» است و این کاری است که بی‌کوچکترین اختلافی نگارنده پیشتر کرده است. نویسندگان مدعی‌اند ۶۰ وزن موجود در ۴۲۵ غزل منزوی را در دیوان او بررسی کرده‌اند؛ اما این فهرست به‌طور کامل برگرفته از مقاله بنده است و هیچ ارجاعی هم در کار نیست. جز شباهت تام و تمام فهرست اوزان در کار بنده و ایشان (که شاید کسی گمان کند اتفاقی است) نشانه‌هایی هست که آشکار میکند آن دو کار نگارنده را رونویسی کرده‌اند:

- ۱- در هر دو مقاله ۴۲۵ غزل بررسی شده است؛ اما تعداد غزل‌های منزوی بیش از ۴۲۵ است (در مجموعه اشعار منزوی که منبع نویسندگان بوده ۴۳۶ غزل شماره‌گذاری شده و در بخشی جدا هم چند غزل دیگر آمده است) و نگارنده به‌دلایلی که در مقدمه کتاب مذکور است (*از ترانه و تندر*، فیروزیان: ص ۱۲) این تعداد مشخص را بررسی کرده است؛ ولی نویسندگان بی‌ذکر هیچ دلیل دقیقاً همان تعداد را بررسی کرده‌اند.
- ۲- ارجاع مرسوم و متداول، ارجاع به شماره صفحه است نه شماره غزل. بنده در فهرست خود به‌دلایلی به شماره غزلها ارجاع داده‌ام و نویسندگان نیز همان را تکرار کرده‌اند.
- ۴- نگارنده ابداعاتی در رکن‌بندی سنتی کرده که نویسندگان همانها را (از جمله رکن‌بندی «مفعول مفعول مفعول مفعول») تکرار کرده‌اند.

- ۵- حجت بالغ آنکه نویسندگان حتی غلط‌های نگارنده را هم تکرار کرده‌اند؛ برای نمونه در شواهد وزن «فعلاتن مفاعلن فعلن»، بنده چنین نوشته است: «۱۹۳-۲۸۱-۲۵۸». سهواً ترتیب عددی برهم خورده است (جای ۲۵۸ و ۲۸۱ باید عوض شود). نویسندگان پی به این سهو نبرده‌اند و عیناً آن را تکرار کرده‌اند.

نویسندگان مانند نگارنده «وزنهای بی‌سابقه» در غزل‌های منزوی را نام برده‌اند و باز مانند نگارنده، ملاکشان برای بی‌سابقگی، نیامدن وزن در فرهنگ عروضی شمیسا بوده است. آنها حتی اشتباه بنده در مراجعه نکردن به چاپ آخر آن کتاب را (که در بردارنده اوزان بیشتری از چاپهای قبلی است) در نیافته‌اند و همان گفته‌های بنده را نقل کرده‌اند.

بخش دیگر مقاله نویسندگان ویژه بررسی «عملکرد منزوی در ساخت وزنهای تازه» است که در آن از دو شیوه «افزودن هجا» و «تکرار الگوی وزنی» سخن رفته است. این دو شیوه منزوی برای ساخت وزنهای تازه را نگارنده برای نخستین بار شناسایی، تعریف و بررسی کرده است.

هیچ نکته‌ای نیست که در این مقاله آمده باشد و پیشتر در مقاله نگارنده ذکر نشده باشد. متن کامل نتیجه‌گیری ایشان چنین است: «حسین منزوی ۴۲۵ غزل دارد که در این غزلها از ۶۰ وزن بهره جسته است. از این ۶۰ وزن، ۱۷ وزن در فرهنگ عروضی ذکر نشده است؛ نشان داده شد که این وزنها هم ابداعی نیستند بلکه با افزودن هجاهایی به وزنهای کهن یا با تکرار آن وزنها ساخته شده‌اند. دو وزن نو در میان وزن<sup>۱</sup> غزلهای منزوی دیده شد که این دو وزن را هم شاعر دیگری یعنی سیمین بهبهانی قبل از حسین منزوی به کار برده است. اما در مجموع تنوع در استفاده از این همه وزن، نشان از تسلط کم‌نظیر شاعر به کلام است<sup>۲</sup>» («فراوانی و تنوع اوزان عروضی در غزلهای حسین منزوی از ویژگیهای ادبی سبک او»، پرنیان و کاظم‌زاده: ص ۱۸۴).

حال به نوشته‌های بنده بنگرید: «منزوی در ۴۲۵ غزل خود، از ۶۰ وزن بهره برده است. این نکته نشان‌دهنده گرایش او به بهره‌گیری از وزنهای گوناگون است... ۱۸ وزن از ۶۰ وزن به کار رفته در مجموعه اشعار حسین منزوی، در فرهنگ عروضی نیامده است... آشکار می‌سازیم که در این وزنها... نمیتوان منزوی را آفریننده وزنی یکسره بی‌پیشینه و نو دانست. بهتر آن است که کار او را گونه‌ای هنجارگریزی بدانیم. این هنجارگریزی را در دو دسته بررسی میتوان کرد: ۱- وزنهایی که با افزودن یک یا چند هجا به زنجیره هجایی وزنهای پیشین ساخته میشوند... (از ترانه و تندر، فیروزیان: ص ۲۷۶-۲۷۴). ۲- وزنهایی که از تکرار یک الگوی وزنی ساخته میشوند» (همان: ص ۲۸۰). سپس: «روشن شد که در به کار بردن سه وزن ۴۱، ۴۹، ۵۳ سیمین پیشگام بوده است...» (همان: ص ۲۸۶).

علاوه بر همسانی کامل دو مقاله (در کوچکترین جزئیات و حتی لغزشها) باید توجه داشت از ترانه و تندر در فهرست منابع مقاله یادشده آمده است و امکان ندارد نویسندگان ناآگاهانه دست بدین کار زده باشند. البته در سراسر مقاله ارجاعی به بیشتر کتابهای این فهرست دیده نمیشود و از سوی دیگر مجموعه اشعار حسین منزوی، که همه بیتهای منزوی را از آن نقل کرده‌اند، در فهرست منابع مقاله نیامده است. اغلاط بسیاری نیز در کار نویسندگان راه یافته است (از جمله تبدیل عدد ۱۸ به ۱۷ در نتیجه‌گیری مذکور) که پرداختن به آنها از موضوع سخن ما بیرون است و از آن درمیگذریم.

#### منابع:

«فراوانی و تنوع اوزان عروضی در غزلهای حسین منزوی از ویژگیهای ادبی سبک او»، پرنیان، موسی و رفیه کاظم‌زاده، ۱۳۹۵، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س ۹، ش ۳، پاییزی، ص ۱۸۵-۱۷۳.  
«بررسی عروضی غزلهای منزوی»، فیروزیان، مهدی، ۱۳۹۲، نامه فرهنگستان، س ۱۳، ش ۱، پاییزی، ص ۱۰۶-۷۵.  
از ترانه و تندر، فیروزیان، مهدی، ۱۳۹۰، به اهتمام مهدی فیروزیان، تهران: سخن.

۱. غلط نگارشی آشکار است و باید آن را به «وزنها» یا «اوزان» اصلاح کرد.

۲. جمله نافصیح است. «نشان از چیزی داشتن» فصیح است نه «نشان از چیزی بودن»؛ در زبان فارسی میگویند: «آن پدیده نشان از چیزی دارد یا نشان چیزی (نه نشان از چیزی) است»؛ اما پرسش اصلی این است که تنوع وزنی چه ربطی به «تسلط کم‌نظیر شاعر به کلام» دارد؟